



Ways of Identifying and Detecting the Interpolations into the Hadith Texts

Mojtaba Poormusa  (Corresponding author)

Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

Email: mojtabapormusa313@gmail.com

Dr. Mohammadkazem Rahman Setayesh

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

Abstract

"Hadith" as the narrator of the tradition, is one of the most important main sources in the inference of religious Laws and Islamic teachings. In the process of transmitting the narrative heritage up to the present day, some hadiths have undergone different defects, such as interpolations into their text. The number of such texts is low. Still, the researcher has to detect them in the validation process of the hadith, as well as its understanding and admission as authoritative. This paper seeks to answer the question, what are the ways of detecting interpolations into the hadiths? So, through a descriptive-analytical method and using written sources and existing documents, it tries to identify the main ways of detecting interpolations into the hadiths. Some of these ways are: using manuscripts, analyzing research text, employing the science of *Takhrij* and identifying references of the narration, and considering the role of the narrator in the process of transmission of narrative heritage.

Keywords: Interpolating, Ways of detecting the interpolation, Textual analysis, Validation of hadith, *Mudraj* tradition





سال ۵۶ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۲ - بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۷۹ - ۵۹	HomePage: https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۹۸۰-۹۱۲۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳
	DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2024.81699.1653

راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر متون احادیث

مجتبی پورموسی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: mojtabapormusa313@gmail.com

دکتر محمدکاظم رحمان ستایش

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

«حدیث» به‌عنوان حکایتگر سنت، از جمله مهم‌ترین منابع اصلی استنباط احکام و معارف اسلامی است. برخی از احادیث، در فرایند نقل و انتقال تراث حدیثی تا عصر حاضر دچار عللی، از جمله زیاده‌های واقع بر متن شده‌اند. تعداد این متون، اندک است؛ اما پژوهشگر در فرایند اعتباریابی و نیز فهم و ورود حدیث به چرخه حجیت و عمل، ناگزیر از شناسایی این موارد است. این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال است که راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر احادیث چیست؟ نوشتار حاضر به‌روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب و اسناد موجود، به شناساندن راه‌های اساسی شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر متون احادیث اقدام کرده است. از جمله راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر روایات عبارت‌اند از: بهره‌گیری از نسخ خطی، تحلیل متن پژوهانه، بهره‌گیری از دانش تخریب و مصدربیابی روایت، توجه به نقش راوی در فرایند انتقال تراث حدیثی.

واژگان کلیدی: افزوده‌نگاری، راه‌های شناسایی افزوده، متن پژوهی، اعتبارسنجی حدیث، حدیث مدرج.

مقدمه

متون برخی از احادیث در فرایند نقل و انتقال دستخوش وقوع افزوده‌هایی شده‌اند. این افزوده‌ها، گاه آگاهانه و گاه ناخواسته بر متن اضافه شده‌اند. از جمله عوامل بروز پدیده افزوده در احادیث عبارت‌اند از: نسخه‌برداری، ادراج، نقل معنا و نیز تحریف.^۱ مواردی از این زیادات در احادیث شیعه و اهل سنت موجود است و پژوهشگر هنگام بهره از احادیث -در فرایند اعتبارسنجی یا فهم حدیث- ناگزیر از شناسایی این موارد است. برای این منظور می‌بایست راه‌های شناسایی و کشف افزوده، شناسایی و روش بهره از آن‌ها نمایانده شود که نوشتار حاضر در پی این هدف تنظیم شده است.

در خصوص حدیث مدرج و پدیده زیاده در احادیث تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است، اما هیچ‌یک از آن‌ها در پی شناساندن راه‌های کشف و شناسایی این موارد نبوده‌اند^۲ و راجع به این مسئله تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است که همین مطلب، لزوم پرداختن به آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد. نوشتار حاضر، اختصاص به تراث حدیثی فرقه خاص یا محدوده زمانی خاصی ندارد و راه‌های عمومی شناسایی زیادات را بررسی کرده است و با توجه و تمرکز در میراث حدیثی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب به شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته و راه را برای دیگر پژوهش‌ها در این عرصه گشوده است.

پدیده افزوده در روایت بدین معناست: «هرگونه اضافه و زیاده‌ای که در اصل یک روایت وجود نداشته و سپس به فراخور عواملی به آن افزوده شده.»^۳ این مفهوم، ارتباط نزدیکی با اصطلاح حدیث مدرج و مزید در دانش مصطلح الحدیث و زوائدنگاری اهل سنت دارد. گفتنی است تفصیل این مطالب و تفاوت این موارد با یکدیگر در جای خود بررسی شده است.^۴ از پدیده افزوده بر روایات، با عناوینی همچون حدیث مدرج و زیادات الثقات یاد شده است.^۵ شایان توجه است که ذکر این موارد با اصطلاح خاصی همچون

۱. نک: رحمان ستایش، پورموسی، «گونه‌ها و عوامل افزوده‌نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه»، نشریه حدیث حوزه، س ۱۲، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۰).

۲. نک: الضاری، «الأدراج فی الحدیث درجه و حکمة»، کلیة الإمام الأعظم، ج ۴، ش ۱، ۲ فروردین ۱۳۹۸، ۸۳-۱۶۴؛ رمضان مبروک، «الإدراج فی الحدیث و أثره علی المتن و الإسناد»، حویلة کلیة الدراسات الاسلامیة و العربیة، ج ۲۲، ش ۱، ۱۴۲۵، ۱۳۵-۲۲۸؛ دلبری، حق‌پناه، «بررسی پدیده «زیاده و تقیصه» در روایات»، حدیث پژوهی، ج ۷، ش ۴، ۴ فروردین ۱۳۹۱، ۶۲-۱۳۱؛ دلبری، «ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ج ۱۹، ش ۱۰، ۴ فروردین ۱۳۹۲، ۳۱-۵۶؛ ریعان، «تأثیر «تصحیف» و «ادراج» در معنای متن روایات (مطالعة موردی سه روایت زنان)»، علوم حدیث، ج ۹۸، ش ۲۵، ۱۳۹۹، ۴۰-۱۱۲؛ پورموسی، رحمان ستایش، «پیامدهای پدیده افزوده‌نگاری (ادراج) در روایات و کتب حدیثی»، نشریه حدیث حوزه، س ۱۴، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲؛ رحمان ستایش، پورموسی، «گونه‌ها و عوامل افزوده‌نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه» نشریه حدیث حوزه، س ۱۲، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰. همان‌طور که گفته شد گرچه این مقالات به بررسی ماهیت یا جوانی از حدیث مدرج می‌پردازند، اما هیچ‌یک به معرفی راه‌های شناسایی پدیده ادراج یا زیاده‌نگاری نپرداخته‌اند.

۳. پورموسی، افزوده‌نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات، ۲۹.

۴. نک: پورموسی، افزوده‌نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات، فصل اول.

۵. نک: مامقانی، مقیاس الهدایة، ۲۲۰/۱؛ ابن‌صلاح، مقدمة ابن‌الصلاح، ۷۴؛ صدر، نهاية الدراية، ۲۹۴؛ عاملی، وصول الاختیار، ۱۱۴/۱؛ میرداماد، الروايع السماویة، ۲۰۱؛ دلبری، آسیب‌شناسی فهم حدیث، ۳۹۳-۴۰۴.

افزوده، برای تشخیص و تمییز این پدیده از دیگر موارد مفید به نظر می‌رسد.

۱. راه‌های شناسایی و کشف افزوده

راه‌های شناسایی و کشف افزوده، ناظر به متن حدیث و متن کتاب حدیثی است. این موارد در ذیل راهکارها به تفکیک بررسی شده است.

۱.۱. نسخه

با بررسی نسخه‌های موجود از روایت می‌توان افزوده‌های احتمالی را کشف کرد؛ توضیح آنکه، گاه روایتی نقل کوتاه و بلند دارد و در این میان، در برخی از نسخه‌های حدیثی می‌توان ردپایی برای قضاوت راجع به حدیث جست‌وجو کرد و حکم به صحت یکی از نقل‌ها کرد. برای مثال، در روایتی که قرآینی بر تشکیک در نسخه بلند از آن است، رجوع به نسخه خطی کمک شایانی به صحت قضاوت در آن زمینه و شناسایی فقرات افزوده‌شده بر روایت می‌کند. برای نمونه، روایتی در کتاب الغیبة، محمدبن ابراهیم نعمانی (م ۳۶۰ق) بدین مضمون نقل شده است: «عن ابی حمزة الثمالی قال: كنت عند ابی جعفر محمدبن علی الباقر (ع) ذات یوم فلما تفرق من کان عنده قال لی: یا اباحمزة من المحتوم الذی لا تبدیل له عند الله قیام قائمنا فمن شک فیما اقول لقی الله سبحانه و هو به کافر و له جاحد. ثم قال: بابی و امی المسمی باسمی و المکتی بکنتی السابع من بعدی بابی من یملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً. ثم قال: یا اباحمزة من ادركه فلم یسلم له فما سلم لمحمد و علی و قد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار- و بسئ مؤوی الظالمین. و أوضح من هذا بحمد الله و أنور و أبین و أزهى لمن هداه الله و أحسن إلیه قول الله عزوجل فی محکم کتابه- إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السماوات و الأرض منها أربعة حرم ذلك الدین القیم فلا تظلموا فیهن أنفسکم و معرفة الشهور المحرم و صفر و ربیع و ما بعده و الحرم منها هی رجب و ذوالقعدة و ذوالحجة و المحرم لا تكون دیناً قیماً لأن اليهود و النصارى و المجوس و سائر الملل و الناس جمیعاً من الموافقیین و المخالفین يعرفون هذه الشهور و يعدونها بأسمائها و إنما هم الأئمة (ع) و القوامون بدین الله و الحرم منها أمير المؤمنین علی الذی اشتق الله تعالی له اسماً من اسمه العلی كما اشتق لرسوله (ص) اسماً من اسمه المحمود و ثلاثة من ولده أسماؤهم علی علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد فصار لهذا الاسم المشتق من اسم الله عزوجل حرمة به و صلوات الله علی محمد و آله المکرمین المتحرمین به.»^۶

همچنین این روایت در کتاب‌های تأویل الآيات الظاهرة،^۷ البرهان^۸ و نیز تفسیر کنز الدقائق^۹ موافق با کتاب الغیبة آمده است.

این روایت در کتاب‌های بعدی خود نیز انعکاس‌هایی داشته است. برای نمونه، در کتاب بحار الأنوار این گزارش تا فقره «من اسم الله عزوجل حرمه به» نقل شده است.^{۱۰} البته این گزارش در جاهای دیگری از این کتاب تا فقره «بئس مثوی الظالمین» نقل شده و در اینجا پایان یافته است.^{۱۱} هردو نقل نیز از کتاب الغیبة نعمانی است و دارای همان یک طریق‌اند.

محقق شوشتری انتهای روایت را عبارت «و بئس مثوی الظالمین» دانسته و ادامه گزارش را از کلام نعمانی بر شمرده است و مزج روایت با کلمات و نظرات خود را از عادت‌های نعمانی بر می‌شمارد.^{۱۲} از دیگر کتب متأخر که به نقل این روایت پرداخته، کتاب اثبات الهداة است که روایت با عبارت «بئس مثوی الظالمین» پایان می‌پذیرد.^{۱۳}

نقل نسخه کوتاه روایت در چند موضع از بحار الأنوار و اثبات الهداة و همچنین قراین و شواهدی که محقق شوشتری در کتابش آورده، همگی از عواملی است که قضاوت را آسان‌تر کرده تا حکم به صحت نقل کوتاه از روایت کنیم و بخش اضافه را افزوده‌ای بدانیم که به واسطه عدم‌نشانه‌گذاری مناسب در نسخه، با متن روایت خلط شده و در ادامه مشکلاتی را ایجاد کرده است.

قرینه دیگر بر صحت این قضاوت، متن نسخه خطی موجود از کتاب الغیبة نعمانی است که امروزه در دسترس است و توسط نسخه‌پژوه معاصر، علی‌اکبر غفاری استفاده شده است. مطابق این نسخه، عبارات روایت و کلام مؤلف پشت‌سرهم آورده شده است و نشانه‌گذاری مناسبی برای آگاهانیدن مخاطب در آن وجود ندارد. غفاری نیز در تصحیح خود، حدیث را تا فقره «بئس مثوی الظالمین» دانسته و مازاد آن را به‌عنوان توضیحات نعمانی تلقی کرده است که مطابق با دیگر قراین موجود در این زمینه است.^{۱۴}

۲.۱. تحلیل متن

از دیگر راه‌های شناسایی افزوده‌های واقع بر اثری مکتوب؛ اعم از کتاب یا روایت، شیوه متن‌پژوهانه و

۷. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة، ۲۰۸.

۸. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۷۷۲/۲.

۹. قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۴۵۱/۵.

۱۰. مجلسی، بحار الأنوار، ۲۴۱/۲۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۳۹۳/۳۶.

۱۱. مجلسی، بحار الأنوار، ۱۳۹/۵۱.

۱۲. تستری، الاختیار الدخیله، ۸۰/۱.

۱۳. حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۱۹۸/۵.

۱۴. نعمانی، الغیبة، ۸۶.

توجه به عناصر^{۱۵} و اجزای متن^{۱۶} مد نظر است. با توجه به این شیوه می توان به موارد مختلفی از این قبیل دست یافت: شناسایی حدودی تاریخ و فرهنگی که متن از آن برخاسته، انسجام و ارتباط اجزای متن با یکدیگر، تبدلات احتمالی و...

متن پژوهی، دانشی نوپدید به شمار می رود اما به عنوان ابزاری برای بررسی کلام، حیاتی به اندازه تاریخ تمدن های بشری دارد. برای مثال، نمونه های متعددی از همین بررسی های متن پژوهانه در تاریخ اعتبارسنجی شیعه وجود دارد؛ مانند توثیقات یا تضعیفات رجالی که برخاسته از تحلیل محتوای روایات راویان است. برای نمونه، نجاشی در شرح حال محمد بن الولید بجلی، او را با اوصافی همچون «ثقه، عین، نقی الحدیث» توصیف می کند و در ادامه می افزاید که جماعتی از اصحاب امامیه نیز این پاکیزگی و پیراستگی حدیث او از هرگونه کژی؛ مانند خلط، غلو و... را ذکر کرده اند.^{۱۷} وی منخل بن جمیل الاسدی را «ضعیف» و «فاسد الروایة» معرفی می کند.^{۱۸}

در اینجا متن پژوهی به پژوهشی جامع راجع به یک متن اثری و بررسی جوانب مختلف ادبی-مفردات و ترکیبات-محتوایی، تاریخی و... آن متن اطلاق می شود.^{۱۹} متن پژوهی، ارتباط تنگاتنگی با دانش فقه الحدیث دارد.^{۲۰}

۲. راه های شناسایی افزوده بر روایت به واسطه تحلیل متن

ملاک های متعددی برای کشف افزوده و هرگونه تغییر در کلمات معصومان (ع) وجود دارد که در ادامه به آن ها می پردازیم، اما پیش از آن باید افزود که: برخی از این ملاک ها با توجه به جایگاه عصمت حضرات (ع)، فصاحت و بلاغت ایشان و مواردی از این قبیل تعیین می شود و در هر متنی و از هر کسی قابلیت تعمیم و جاری سازی ندارد.

۲.۱. عدم انسجام متن

یکی از موارد کشف افزوده، عدم انسجام در متن رسیده از معصوم (ع) است. این عدم انسجام متن شامل موارد ذیل می شود:

15. Text element

16. Text components.

۱۷. نجاشی، رجال النجاشی، ۳۴۵، ش ۹۳۱.

۱۸. نجاشی، رجال النجاشی، ۴۲۱، ش ۱۱۲۷.

۱۹. این تعریف حاصل بررسی های نگارنده است.

۲۰. متن پژوهی، امروزه فواید بسیاری را برای یک تاریخ پژوه یا یک حدیث پژوه فراهم می آورد؛ از جمله تاریخ گذاری یک متن -به معنای تلاشی برای شناسایی اسلوب زبانی و زمانی یک متن و نص اثری- در سال های اخیر پژوهش های فراوانی در این زمینه سامان یافته است. نک: پاکتچی، نقد متن.

أ. تضاد و تقابل میان فقرات حدیث: در یک روایت، بخشی از فقرات آن، فقرات دیگری از همان روایت را نفی می‌کند یا ناهمخوانی زیادی میان آن‌ها برقرار است. با توجه به عصمت حضرات (ع) و نیز منتفی بودن چنین مواردی حتی از انسان‌های عاقل و فرهیخته‌ی عادی، چنین متنی نیاز به بررسی دارد و احتمالاً دارای نوعی آسیب، مانند افزوده‌نگاری است.^{۲۱}

ب. عدم دلالت روایت بر مطلوب: گاه، روایت در موضوعی صادر شده اما بر مطلوب و مراد ترسیم شده در آن روایت دلالت ندارد و به نوعی، روایت از محل خود خارج شده است. این ملاک زمانی بیشتر ملموس می‌شود که در کنار سؤال راوی قرار داده شود. برای نمونه، راوی سؤالی می‌پرسد که ناظر به موضوعی است و روایت به پاسخ آن می‌پردازد اما در میانه دچار اختلال و خروج از موضوع می‌شود و به موضوعی دیگر می‌پردازد. این می‌تواند ناشی از تقطیع یا ناشی از الصاق یا افزودن فقراتی به حدیث یا خلط آن با متنی دیگر باشد. همچنین وجود اشتباه و برخی توضیحات نامربوط در روایت نیز از دیگر موارد عدم دلالت روایت بر مطلوب است.

نمونه: روایتی بدین مضمون در کتب اربعه حدیثی شیعه نقل شده است: «خالد بن رافع بجلی: از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی حق سکونت خانه خود را برای دیگری در طول حیاتش (یعنی حیات صاحب‌خانه) قرار می‌دهد. پس هنگامی که صاحب‌خانه از دنیا می‌رود، ورثه‌اش می‌خواهند آن مرد را از خانه بیرون کنند، آیا چنین حقی دارند؟ فرمود: به نظر من خانه را به قیمتی عادلانه قیمت‌گذاری کنند و یک‌سوم اموال میت را بنگرند؛ پس اگر ثلث ترکه، قیمت خانه را در بر می‌گیرد، ورثه حق ندارند بیرونش کنند و اگر قیمت خانه را در بر نمی‌گیرد، حق دارند او را بیرون کنند. عرض کردند: به نظر شما اگر مردی که در آن خانه سکونت کرده است پس از مرگ صاحب‌خانه فوت کند، حق سکونت برای ورثه او نیز وجود دارد؟ فرمود: نه.»^{۲۲}

شیخ طوسی، فقره «یعنی صاحب‌الدار» را از اضافات راوی دانسته است و شیوه تشخیص ایشان به سبب اشتباه در این فقره است؛ چراکه تمامی موارد بیان‌شده در روایت، احکام مربوط به شخصی است که

۲۱. برای نمونه می‌توان به روایتی بدین مضمون اشاره کرد: «أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَفْرُونِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنْ مَاءٍ يَشْرَبُ مِنْهُ الْحَمَامُ فَقَالَ كُلُّ مَا أَكَلَ لَحْمَهُ يَتَوَضَّأُ مِنْ سُورِهِ وَ يَشْرَبُ وَ عَنْ مَاءٍ يَشْرَبُ مِنْهُ بَارِئٌ أَوْ صَقْرٌ أَوْ عَقَابٌ فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الطَّيْرِ يَتَوَضَّأُ مِنْهُ إِلَّا أَنْ تَرَى فِي مِيقَاةٍ دَمًا فَإِنَّ رَأَيْتَ فِي مِيقَاةٍ دَمًا فَلَا تَتَوَضَّأُ مِنْهُ وَ لَا تَشْرَبُ مِنْهُ وَ سِئِلَ عَنْ مَاءٍ شَرِبَتْ مِنْهُ الذَّجَاجَةُ فَقَالَ إِنْ كَانَ فِي مِيقَاةٍ قَدْرٌ لَمْ تَشْرَبْ وَ لَمْ تَتَوَضَّأْ مِنْهُ وَ إِنْ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ فِي مِيقَاةٍ قَدْرًا تَوَضَّأْ مِنْهُ وَ اشْرَبْ» طوسی، الاستبصار، ۲۵/۱. در این روایت شاهد تناقض‌نمایی در صدر و ذیل هستیم که سبب وقوع بحث‌هایی میان فقها در همین زمینه شده است. احتمالاً از فقره «وَ سُئِلَ عَنْ مَاءٍ شَرِبَتْ مِنْهُ» تا انتهای متن، از اضافات صورت‌گرفته بر متن اصلی روایت باشد؛ چراکه این روایت در دیگر کتب حدیثی فاقد این ذیل است. نک: کلینی، الکافی (اسلامیه)، ۹/۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۸/۱ و ۲۸۴؛ ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ۵۳/۴.

۲۲. گروه مترجمان، متن و ترجمه فروع کافی، ۱۰۶/۹ با اندکی تغییر.

سکونت برای او قرار داده شده است و ضمیر «حیاته» نیز به این شخص - و نه صاحب‌خانه - بر می‌گردد.^{۲۳}

۲.۲. رکاکت و منافرت فقراتی از روایت

رکاکت در حدیث را به دو نوع تقسیم کرده‌اند:

أ. رکاکت لفظی؛ سبکی کلام و عدم فصاحت و بلاغت: به این معنا که، حدیث در مرتبه پستی از فصاحت و بلاغت قرار داشته باشد که صدور آن از معصوم (ع) بعید باشد.^{۲۴} کلام معصومان (ع) باتوجه به جایگاه و شأن ایشان، کلامی استوار، فصیح و بلیغ است. همین مطلب، یکی از راه‌های شناسایی اخلال و افزوده در کلام است.

از امام صادق (ع) در این زمینه نقل شده است که فرمود: «أعربوا حدیثنا فإنا قوم فصحاء.»^{۲۵} به همین دلیل در جایی که فقره‌ای از روایت سبک و فاقد فصاحت و بلاغت در شأن معصوم باشد نیازمند بررسی است و احتمالاً دارای نوعی اختلال، از جمله افزوده است.

ب. رکاکت معنوی: در این قسم، حدیث از نظر مفهوم به گونه‌ای است که طبع از آن نفرت دارد و نمی‌پذیرد.^{۲۶} علامه شوشتری در الاخبار الدخیله فصلی را تحت‌عنوان «الأخبار التي وقع التحریف فیها بواسطة النقل بالمعنی» به این موضوع اختصاص داده است. ظاهراً معنای رکاکت نیز همین است.^{۲۷}

برای نمونه، «ابراهیم بن ابی محمود قال: قلت للرضا (ع) یا ابن رسول الله! ما تقول فی الحدیث الذی یرویه الناس عن رسول الله (ص) أنه قال إن الله تبارک و تعالی ینزل فی کل لیلة جمعة إلى السماء الدنيا؟ فقال (ع): «لعن الله المحرفین الکلم عن مواضعه و الله ما قال رسول الله (ص) ذلك؛ إنما قال (ص): «إن الله تبارک و تعالی ینزل ملکاً إلى السماء الدنيا کل لیلة فی الثلث الأخير و لیلة الجمعة فی أول اللیل فیأمره فینادی هل من سائل فأعطیه هل من تائب فأتوب علیه هل من مستغفر فأغفر له یا طالب الخیر أقبل و یا طالب الشر أقصر فلا یزال ینادی بهذا حتی یطلع الفجر فإذا طلع الفجر عاد إلى محله من ملکوت السماء»

۲۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۲/۹.

۲۴. نک: رفیعی محمدی، وضع حدیث، ۲۵۴؛ صادق فدکی، بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن، ۱۸۳.

۲۵. کلینی، الکافی، ۱۳۱/۱.

۲۶. رفیعی محمدی، وضع حدیث، ۲۵۴.

۲۷. منافرت، طبع قاعده‌ای عقلی و ذیل قاعده حسن و قبح عقلی است که ملاک عملکرد و به‌نوعی سیره عقلاست. لذا به‌راحتی می‌تواند ملاک نقد و اعتبارسنجی روایت باشد، به شرط آنکه جنبه عمومی داشته باشد و نوع مردم و عقلا راجع به یک موضوع، منافرت طبع داشته باشند. ضمن اینکه، این ملاک در خود روایات نیز وجود دارد: «مُحَمَّدٌ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ: أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: إِنَّ حَدِيثَ آلِ مُحَمَّدٍ صَغْبٌ مُشْتَصَعِبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ إِتَمَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَمَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَدِيثِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَلَاتْ لَهُ قُلُوبِكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ فَاقْبَلُوهُ وَ مَا إِشْمَأَزَّتْ مِنْهُ قُلُوبُكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى الْعَالَمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّمَا الْهَالِكُ أَنْ يُحَدِّثَ أَحَدَكُمْ بِشَيْءٍ مِنْهُ لَا يَحْتَمِلُهُ فَيَقُولُ وَ اللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَ اللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَ الْإِنكَارُ هُوَ الْكُفْرُ» صفار، بصائر الدرجات، ۲۰/۱؛ کلینی، الکافی، ۴۰۱/۱؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ۷۹۲/۲.

حدثنی بذلك أبي عن جدي عن آبائه عن رسول الله (ص).»^{۲۸}

در این روایت شریفه، امام رضا(ع) توضیح می‌دهند که چگونه عده‌ای با افزودن فقراتی بر حدیث جدشان پیامبر اکرم(ص)، کلام ایشان را بر معنای دیگری حمل و آن را تحریف کردند.

۲.۳. ناهمخوانی کلام با تاریخ

در برخی از روایات، اشاره به تعدادی از وقایع تاریخی یا افرادی شده است که در زمان معصومی که روایت از ایشان نقل شده، آن وقایع به وقوع نپیوسته است که این غیر از موارد اخبار غیبی و پیشگویی‌های ائمه(ع) است یا از اساس وجود نداشته است. این عدم تناسب، مشیر به نوعی اخلال در بخشی از روایت است. برای نمونه، محمدبن عمرو الزیات عن ابی عبدالله(ع) قال: «من مات فی المدینة، بعثه الله فی الآمین یوم القیامة منهم یحیی بن حبیب و ابو عبیده الحذاء، و عبدالرحمن بن الحجاج.»^{۲۹}

مطابق این گزارش، یحیی بن حبیب و عبدالرحمان بن حجاج می‌بایست در زمان امام صادق(ع) وفات کرده باشند، حال آنکه این دو در زمان امام رضا(ع) در قید حیات بوده‌اند؛ لذا از فقره «منهم یحیی...» تا انتها را از افزوده‌های راوی دانسته‌اند.^{۳۰} همچنین راوی این روایت؛ یعنی محمدبن عمرو زیات نیز از اصحاب امام رضا(ع) است.^{۳۱}

۳. تخریح یا مصدربابی روایت

دانش تخریح به‌عنوان دانشی نوپدید، مدّ نظر پژوهشگران متأخر فریقین قرار گرفته است. تخریح در لغت، از باب تفعلیل و از ماده «خ رج» و به معنای «خارج کردن و آشکار کردن»^{۳۲} و ضد معنای دخول است. در علم حدیث نیز به همین معناست.^{۳۳} تخریح حدیث، به نوعی شناسنامه‌دار کردن روایتی براساس تعیین و بازیابی اسناد مختلف، منابع متعدد، گزارش‌های متفاوت و نیز متون مشابه یک حدیث است. گفتنی است با تعیین این موارد، اعتباریابی و ارزش‌گذاری حدیث و نیز شناسایی موارد افتادگی و نیز افزوده بر یک روایت میسر خواهد شد.^{۳۴} برای نمونه، روایتی در کتاب الفقیه بدین صورت نقل شده است: «و قال

۲۸. ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۴۲۱/۱.

۲۹. کلینی، الکافی، ۲۶۸/۹؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴/۶.

۳۰. مازندرانی حائری، منتهی المقال، ۱۰۶/۴؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۳۶۹، ش ۱۰۰۱؛ خونی، معجم رجال الحدیث، ۳۲۳/۸؛ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۳۴۷؛ اربلی، کشف الغمّة، ۳۵۳/۲؛ مفید، الإرشاد، ۲۸۰/۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۲۷۱/۱۸.

۳۱. نجاشی، رجال النجاشی، نجاشی، ۳۶۹، ش ۱۰۰۱.

۳۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۷۵/۲؛ فراهیدی، العین، ۱۵۸/۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ۲۵۲/۲.

۳۳. نک: طحان، اصول التخریح و درامه الاسانید، ۱۰؛ محمودی، «واژه‌پژوهی و شناخت تحلیلی دانش تخریح در اهل سنت»، ۱۵۸؛ محمودی، خدامیان آرانی، «کتابشناسی تحلیلی اصول التخریح و درامه الاسانید»، ۹۳.

۳۴. نک: محمودی، «فایده بهره‌گیری از دانش تخریح در اعتباریابی احادیث».

الصادق(ع): لا يفوت الصلاة من أراد الصلاة و لا تفوت صلاة النهار حتى تغيب الشمس و لا صلاة الليل حتى يطلع الفجر و ذلك للمضطر و العليل و الناسي»^{۳۵}

این روایت به همین صورت در کتاب وسائل الشیعه^{۳۶} انعکاس پیدا کرده است.

با پی جویی این روایت در دیگر مصادر حدیثی متقدم شیعی؛ مانند تهذیب، این روایت بدین صورت یافت می شود: «محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن الحسن بن علی بن فضال عن علی بن یعقوب الهاشمی عن مروان بن مسلم عن عبید بن زراره عن ابی عبدالله(ع) قال: لا يفوت الصلاة من أراد الصلاة لا يفوت صلاة النهار حتى تغيب الشمس و لا صلاة الليل حتى يطلع الفجر و لا صلاة الفجر حتى تطلع الشمس»^{۳۷}

قسمت اضافه نقل قبلی؛ یعنی فراز «و ذلك للمضطر و العليل و الناسي» در این نقل وجود ندارد. البته این روایت قید اضافه دیگری دارد که در نقل قبل وجود ندارد و آن فراز «و لا صلاة الفجر حتى تطلع الشمس» است.^{۳۸}

به نظر می رسد شیخ صدوق به نقل آنچه که برای مسئله فقهی بدان نیاز داشته، اکتفا کرده است و در واقع، روایت در الفقیه با نوعی تقطیع در انتهای متن مواجه شده است. مشکل این روایت به همین ختم نشده و به دلیل عدم نشانه گذاری و ممیزی مناسب توسط مؤلف، با بخشی از کلام شیخ صدوق نیز ممزوج و مخلوط شده است.

از جمله مهم ترین شواهد این مدعا، نقل این روایت در منابع واسطه و متأخر^{۳۹} به صورت موافق با متن تهذیب و سرائر است.

دیگر شاهد این ادعا، بررسی نسخه تصحیح شده الفقیه است که مصحح انتهای روایت را با عبارت «حتى يطلع الفجر» مشخص کرده و از آن پس را، عبارت شیخ صدوق تلقی کرده است.^{۴۰}

همچنین باید افزود که توجه به منابع و مصادر اولیه روایت در فرایند کشف افزوده راهگشاست. گاه پیش می آید که روایتی مورد افزوده قرار می گیرد یا به دلیل وجود یکی از عوامل ایجاد افزوده، زیاداتی بر آن صورت می پذیرد. توجه به دیگر منابع دست اولی که آن روایت در آن ها نقل شده، کمک شایانی به شناسایی

۳۵. ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۳۵۵/۱.

۳۶. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ۱۲۵/۴.

۳۷. طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۵۶/۲؛ طوسی، الانتبصار، ۲۶۰/۱؛ ابن ادریس، السرائر، ۶۰۲/۳.

۳۸. محقق شوشتری درباره نقل این روایت در الفقیه می نویسد: «[متن] این روایت تا عبارت «حتى يطلع الفجر» است و عبارت «و ذلك للمضطر و العليل و الناسي» از کلمات شیخ صدوق است که با متن روایت مزج شده است؛ همان گونه که شیوه او - شیخ صدوق - در غالب موارد همین است.» تستری، الاخبار الدخيلة، ۲۹۸/۴.

۳۹. نک: حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ۱۵۹/۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶۳/۷۹؛ فیض کاشانی، الوافی، ۲۸۹/۷.

۴۰. ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۳۵۵/۱، متن کتاب و بانویس شماره ۴ همان صفحه.

موارد افزوده و نیز جلوگیری از ابهام و اشتباه در این زمینه است. برای نمونه، روایتی در خصال شیخ صدوق بدین مضمون نقل شده است: «حدثنا ابي رضى الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن ابي عمير عن عمر بن اذينة عن ابي بن عياش عن سليم بن قيس الهلالي وحدثنا محمد بن الحسن بن الوليد رضى الله عنه قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد و ابراهيم بن هاشم جميعا عن حماد بن عيسى عن ابراهيم بن عمر اليماني عن ابي بن عياش عن سليم بن قيس الهلالي قال سمعت عبد الله بن جعفر الطيار يقول كنا عند معاوية انا و الحسن و الحسين و عبد الله بن عباس و عمر بن ابي سلمة و أسامة بن زيد فجرى بيني و بين معاوية كلام فقلت لمعاوية سمعت رسول الله (ص) يقول انا أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثم اخى علي بن ابي طالب (ع) أولى بالمؤمنين من أنفسهم فإذا استشهد علي فالحسن بن علي أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثم ابنه الحسين بعد أولى بالمؤمنين من أنفسهم فإذا استشهد فابنه علي بن الحسين الأكبر أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثم ابني محمد بن علي الباقر أولى بالمؤمنين من أنفسهم و ستدرکه يا حسين ثم تکملة اثني عشر إماما تسعة من ولد الحسين رضى الله عنه قال عبد الله بن جعفر ثم استشهدت الحسن و الحسين و عبد الله بن عباس و عمر بن ابي سلمة و أسامة بن زيد فشهدوا لي عند معاوية قال سليم بن قيس الهلالي و قد سمعت ذلك من سلمان و أبي ذر و المقداد و ذكروا أنهم سمعوا ذلك من رسول الله (ص).»^{۴۱}

در این نقل از روایت، کلمه «اکبر» در ادامه عبارت «علي بن الحسين» وجود دارد. با جست‌وجو در دیگر کتب قدما و منابع اولیه‌ای که این روایت در آنان موجود است نشانه‌ای از این کلمه در ادامه عبارت مذکور نمی‌یابیم. برای نمونه، این روایت در کتاب‌های کافی،^{۴۲} اثبات الوصیه^{۴۳} مسعودی، الغیبة نعمانی،^{۴۴} الغیبة طوسی^{۴۵} و... موجود است، اما اثری از این کلمه در آن‌ها وجود ندارد. محقق شوشتری علت این امر را اشتباهی از سوی نسخه‌برداران می‌داند و عامل آن را خلط میان حاشیه نسخه و متن روایت بر می‌شمرد.^{۴۶}

۴۱. ابن بابویه، الخصال، ۴۷۷/۲.

۴۲. کلینی، کافی، ۵۲۹/۱؛ کلینی، کافی، ۶۸۷/۲.

۴۳. مسعودی، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابي طالب، ۱۷۹.

۴۴. نعمانی، الغیبة، ۹۶.

۴۵. طوسی، الغیبة، ۱۳۸.

۴۶. نک: تستری، الاخبار الدخیله، ۸۶/۱.

۴. توجه به نقش راوی در فرایند انتقال تراث حدیثی

حدیث در کتب درایی، به «کلام یحکی قول المعصوم (ع) او فعله او تقریره»^{۴۷} تعریف شده است. در این تعریف و مانند آن، عنصر حکایتگری به چشم می خورد. باتوجه به اینکه شمار زیادی از احادیث - صرف نظر از شیعه و اهل سنت و نیز تفاوت های گسترده فضای نقل ایشان با یکدیگر و به استثنای مکتوبات و رسائل ائمه (ع) - توسط راویان نقل شده و سپس در قالب مکتوبات حدیثی انتقال پیدا کرده اند؛ ناگزیر امکان دارد در فرایند نقل، از راویان خود تأثیراتی را دریافت کرده باشند. این تأثیرات، گاه در قالب نقل معنا و گاه در قالب افزایش یا کاهش برخی کلمات و فقرات است که به فراخور اخلال به معنا یا عدم تخطی از مراد معصوم (ع) تأثیرات مثبت یا منفی ای از خود به جای گذاشته است.^{۴۸}

این دخل و تصرف های خواه و ناخواه، در توصیفات رجالی برخی از راویان نیز به چشم می آید. رجالیان شیعه در مواردی به سان یک هشداردهنده، نسل های بعد را در خصوص خطرات اخذ و نیز میراث حدیثی منقول از برخی راویان آگاه کرده اند. در نتیجه، زمان بهره از میراث منقول از یک راوی باید به نقش طریقی و حکایتگری او و تصرفات احتمالی وی نیز دقت لازم را به خرج داد تا از افزوده های احتمالی او بر یک متن آگاهی پیدا کرد. برای این منظور، می توان به شرح حال راوی در کتب رجالی و نیز مقایسه نقل او از یک روایت با نقل دیگر راویان بهره جست. البته این شیوه و یافتن روایاتی با این خصوصیات - تصرفات خودخواسته - در میراث حدیثی شیعه کاری دشوار است. برای نمونه: «فأما ما رواه الصفار عن الحسن بن علی عن احمد بن هلال عن الحسن بن علی بن یقظین عن أخیه الحسن بن علی بن یقظین عن أبی الحسن (ع) قال: عدة المرأة إذا تمتع بها ثم مات عنها زوجها خمسة وأربعون يوماً.»

شیخ طوسی دلیل مخالفت محتوایی این خبر با دیگر روایاتی که در این باب آمده است را ضعف راوی در فرایند انتقال و دریافت آموزه از معصوم (ع) می داند.^{۴۹}

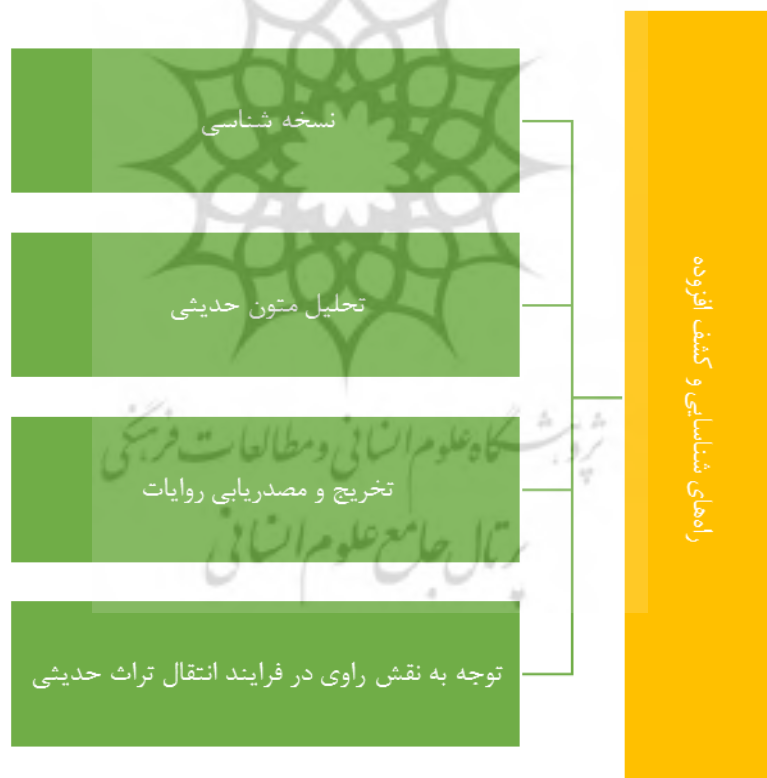
نتیجه گیری

در برخی از روایات اسلامی به فراخور عواملی افزوده هایی به وجود آمده است، از جمله: ادراج، نسخه، نقل معنا و... برای بهره گیری از روایات بایستی اصالت متن تأیید شود که وجود چنین افزوده هایی سبب

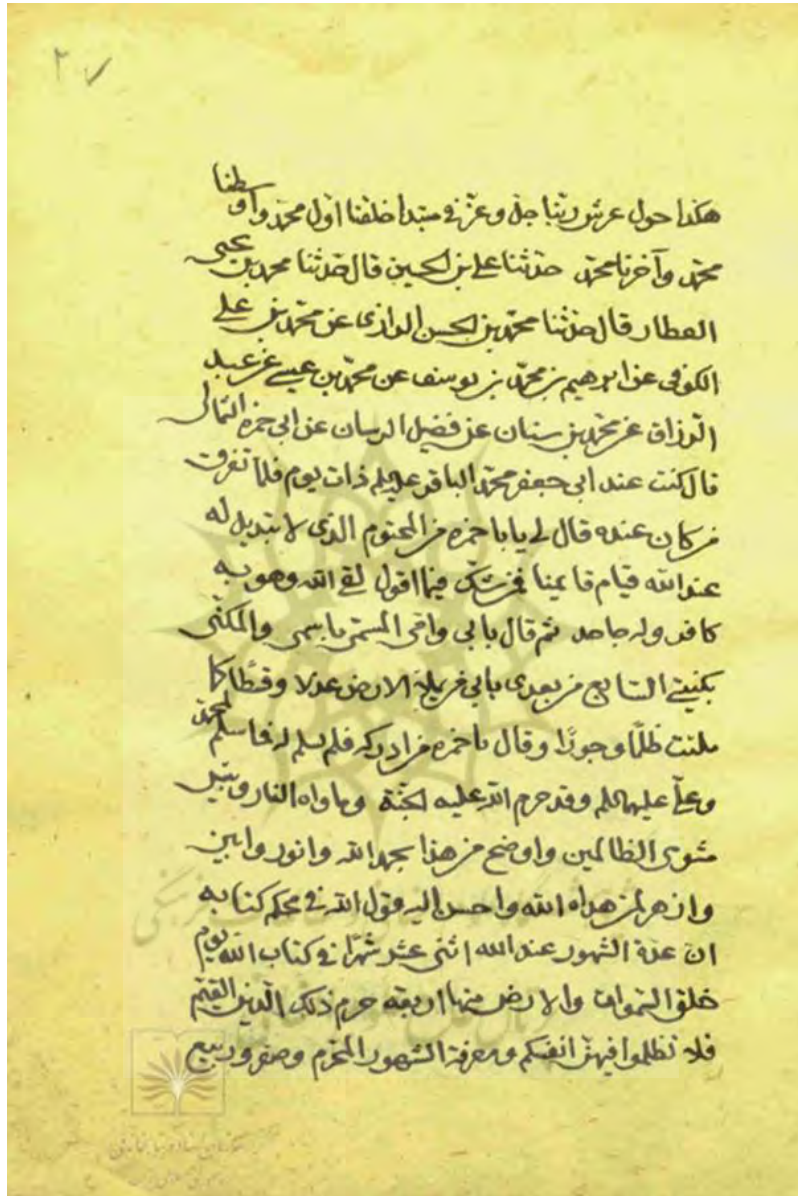
۴۷. شیخ بهایی، الوجیزة فی علم الدرایی، ۴؛ شیخ بهایی، مشرق الشمسین، ۲؛ میرداماد، الرواشح السماویة، ۳۷ و ۳۸؛ مامقانی، مقیاس الهدایة، ۵۷/۱.
۴۸. برای نمونه، از جمله تأثیرات منفی این قبیل تصرفات راوی در فرایند تحدیث، ایجاد اختلاف در میان احادیث است. نک: احسانی فر لنگرودی، اسباب اختلاف الحدیث، فصل اول: عوارض التحدیث.
۴۹. روایات موجود در این باب، همگی بر ۶۵ روزه بودن عدة زن شوهر مرده مدخوله دلالت دارد. تنها همین روایت، از احمد بن هلال عبرتانی است که دلالت بر ۴۵ روزه بودن عده دارد. شیخ طوسی نیز این را ناشی از ضعف راوی در دریافت روایت می داند. نک: طوسی، الاستبصار، ۳۵۱/۳.

اخلال در این امر شده است که ضرورت شناسایی آنان را بیش از پیش روشن می‌سازد. همچنین بیان شد که به‌منظور کشف این موارد افزوده‌شده راهکارهایی وجود دارد. برای شناسایی افزوده‌های واقع بر متن روایت می‌توان به راه‌هایی از این قبیل دست یافت: ۱. تخریج؛ به‌معنای شناسایی گزارش‌های متنی حدیث و برخی ملحقات آن، مانند سند یا راوی اصلی‌اش، ۲. توجه به نقش راویان در فرایند انتقال؛ مانند میزان ثقافت و ضبط راوی و افزوده‌های احتمالی از او، ۳. نسخه‌شناسی با معنای توجه به نسخه‌های خطی موجود از آن روایت و تحلیل مقایسه‌ای آن‌ها با یکدیگر و کشف موارد افزوده‌شده، ۴. پژوهش‌های متنی دربارهٔ مواردی؛ مانند شناسایی احادیث با حالت عدم‌انسجام متن، رکاکت یا منافرت موجود در فقرات روایت، سبکی در کلام یا دنائت متن حدیث از حیث فصاحت و بلاغت و همچنین ناهمخوانی آن با تاریخ و...

پیوست‌ها



تصویر ۱: راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر روایت و کتاب



تصویر ۲: روایت مورد بحث در نسخه خطی الغیبة نعمانی کتابخانه ملی ایران

منابع

- ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة. به تحقیق مجتبی عراقی و شهاب‌الدین مرعشی، بی‌جا: سیدالشهداء (ع)، بی‌تا.
- ابن ادريس، محمد بن احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی. الخصال. به تحقیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی. کتاب من لا یحضره الفقیه. به تحقیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن. مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحدیث. لبنان: دار الکتب العلمیه، محمد علی بیضون، ۱۴۱۶ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. به کوشش عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
- احسانی فر لنگرودی، محمد. اسباب اختلاف الحدیث. بیروت: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۴۳۲ق.
- اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة. ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی و دیگران. تهران: اسلامیه، بی‌تا.
- استرآبادی، علی. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. به تحقیق حسین استادولی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- الضاری، حارث سلیمان. «الأدرج فی الحدیث درجته و حکمة». کلیة الإمام الأعظم. ج ۴، ش ۱ (فروردین ۱۳۹۸): ۸۳-۱۶۴.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: البعثة، ۱۴۱۵ق
- پاکتچی، احمد. نقد متن. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.
- پورموسی، مجتبی. افزوده نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات. به راهنمایی محمد کاظم رحمان ستایش. پایان نامه سطح سه. قم: حوزه علمیه، ۱۴۰۱.
- پورموسی، مجتبی، محمد کاظم رحمان ستایش. «پیامدهای پدیده افزوده نگاری (ادراج) در روایات و کتب حدیثی». نشریه حدیث حوزه. س ۱۴، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۲): ۶۵-۸۴.
- پورموسی، مجتبی، محمد کاظم رحمان ستایش. «گونه‌ها و عوامل افزوده نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه». حدیث حوزه. س ۱۲، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۹-۲۸.
- تستری، محمد تقی. الاخبار الدخیله. بی‌جا: مکتبه الصدوق، بی‌تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن و علاء‌الدین اعلمی. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. به تصحیح شهاب‌الدین مرعشی. بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.

- حر عاملی، محمدبن حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۶ق.
- خونی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۷۲.
- دلبری، سیدعلی و رضا حق‌پناه. «بررسی پدیده زیاده و نقیصه در روایات». حدیث‌پژوهی. ج ۷، ش ۴ (فروردین ۱۳۹۱): ۶۲-۱۳۱.
- دلبری، سیدعلی. «ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ج ۱۹، ش ۱۰ (فروردین ۱۳۹۲): ۳۱-۵۶.
- دلبری، سیدعلی. آسیب‌شناسی فهم حدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲.
- رفیعی محمدی، ناصر. وضع حدیث. قم: جامعه المصطفی (ص) العالمية، ۱۳۹۹.
- رمضان مبروک. «الإدراج فی الحدیث و أثره علی المتن و الإسناد». حولیة کلیة الدراسات الإسلامية و العربية. ج ۲۲، ش ۱ (فروردین ۱۴۲۵): ۱۳۵-۲۲۸.
- ریعان، معصومه. «تأثیر «تصحیف» و «إدراج» در معنای متن روایات (مطالعه موردی سه روایت زنان)». علوم حدیث. ج ۹۸، ش ۲۵ (دی ۱۳۹۹): ۱۱۲-۱۴۰.
- شیخ بهایی، محمدبن حسین. الوجیزة فی الدراية. قم: بصیرتی، ۱۳۹۸.
- شیخ بهایی، محمدبن حسین. مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین. به‌تعلیق اسماعیل بن محمدحسین خواجه‌جویی و مهدی رجایی. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۳۸۷.
- صادق فدکی، جعفر. بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن. به‌راهنمایی محمدتقی دباری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم: ۱۳۷۹.
- صدر، سیدحسن. نهاية الدراية فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزة للبهایی. تهران: مشعر، بی‌تا.
- صفا، محمدبن حسن. بصائر الدرجات. به‌تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی. بی‌جا: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، بی‌تا.
- طبرسی، فضل‌بن حسن. اعلام الوری بأعلام الهدی. قم: آل‌البتیت (ع)، ۱۳۷۶.
- طحان، محمود. اصول التخریج و دراسة الأسانید. بیروت: دار القرآن الکریم، ۱۹۷۹م.
- طوسی، محمدبن حسن. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار. به‌تصحیح حسن خراسان. تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
- طوسی، محمدبن حسن. الغیبة. به‌تصحیح علی احمد ناصح و عبادالله طهرانی. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۲۵ق.
- طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الأحکام. به‌تحقیق حسن خراسان. به‌تصحیح محمد و علی آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامية، بی‌تا.
- طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الأحکام. به‌تحقیق حسن خراسان و دیگران. تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.

- عاملی، حسین بن عبدالصمد. وصول الأخیار الی اصول الأخیار. قم: مجمع الذخائر الإسلامية، ۱۳۶۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. قم: آل‌البيت (ع)، ۱۴۰۹.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. الوافی. به تعلیق ضیاء الدین علامه. به تصحیح کمال فقیه ایمانی. اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ ق.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله. الخرائج و الجرائح. بی‌جا: مؤسسة الإمام المهدي (ع)، بی‌تا.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. کنز الدقائق و بحر الغرائب. به تحقیق حسین درگاهی. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ۱۳۶۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. به تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. جمعی از پژوهشگران. قم: مؤسسة دار الحديث، ۱۳۸۷.
- گروه مترجمان. متن و ترجمه فروع کافی. قم: قدس، ۱۳۸۸.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل. منتهی المقال فی احوال الرجال. قم: آل‌البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
- مامقانی، عبدالله. مقیاس الهدایة فی علم الدراية. قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار. به تصحیح محمد مهدی خراسان و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۸.
- محمودی، عباس. «فایده بهره‌گیری از دانش تخریح در اعتباریابی احادیث». حدیث حوزه. ش ۱۵ (۱۳۹۶): ۱۱۹-۱۴۳.
- محمودی، عباس، شیرمحمد علی پور عبدلی. «واژه پژوهی و شناخت تحلیلی دانش تخریح در اهل سنت». حدیث و اندیشه. ش ۱۷ (۱۳۹۳): ۱۵۵-۱۷۸.
- محمودی، عباس، علی اکبر خدامیان آرانی. «کتابشناسی تحلیلی «اصول التخریح و دراسة الاسانید»». آینه پژوهش. ش ۱۷ (شهریور ۱۳۹۶): ۹۱-۱۰۴.
- مسعودی، علی بن حسین. اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب. قم: انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
- مفید، محمد بن محمد. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: آل‌البيت (ع) لاحیاء التراث، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
- میرداماد، محمدباقر بن محمد. الرواشح السماوية فی شرح الاحادیث الامامية. قم: دار الحديث، ۱۳۸۰.
- نجاشی، احمد بن علی. رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۶۵.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. الغيبة. به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.

Transliterated Bibliography

-Dārī, Hārith Sulaymān. "al-Idrāj fī al-Ḥadīth Darajatahu wa Ḥikmah". Kullīya al-Imām al-Aḥẓam. Vol. 4,

no. 1 (Farwardīn 2020/1398): 83-164.

‘Āmili, Husayn ibn ‘Abd al-Šamad. *Wuṣūl al-Akhyār ilā Uṣūl Akhbār*. Qum: Majm‘ al-Dhakhā’ir al-Islāmīyya. 1982/1360.

Bahrānī, Hāshim ibn Sulaymān. *al-Burhān fī Tafsīr al-Qurān*. Qum: al-Ba’tha, 1994/1415.

Dilbarī, Sayyid ‘Alī va Rizā Haqqanāh. “Barrisī Padīdih-yi Ziyādih va Naqīsh dar Rivāyāt”. *Ḥadīthpazhūhī*. Vol. 7, no. 4 (Farvardīn 2013/1391): 62-131.

Dilbarī, Sayyid ‘Alī. “Idrāj dar Matn Ḥadīth: Anwā’, ‘Awāmil va Payāmad-hā-yi ān”. *Tahqīqāt-i Ulūm-i Qurān va Ḥadīth*. vol. 19, no. 10 (Farvardīn 2014/1392): 31-56.

Dilbarī, Sayyid ‘Alī. *Āsibshināsī Fahm-i Ḥadīth*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. 2014/1392

Farāhīdī, Khalil ibn Aḥmad. *Kitāb al-‘Ayn*. Qum: Āl al-Bayt (AS). 1989/1409.

Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shāh Murtaḍā. *al-Wāfi*. bi Ta’līq ‘Ziyā’ al-Dīn ‘Allāmah, ed. Kamāl Faqīh

Imānī, Iṣfahān: Maktaba al-Imām Amīr al-Mu’minīn ‘Alī(AS), 1986/1406.

Gurūh Mutarjimān. *Matn va Tarjamah-yi Furū’ Kāfi*. Qum: Quds, 2010/1388.

Ḥurr ‘Āmili, Muḥammad ibn Ḥasan va ‘Alā al-Dīn A’lamī. *Ithbāt al-Hudāh bi-al-Nuṣūṣ wa al-Mu’jizāt*. ed. Shahāb al-Dīn Mar‘ashī. Beirut: A’lamī. 2004/1425.

Ḥurr ‘Āmili, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tafṣīl Wasā’il al-Shi’a ilā Tahṣīl Msā’il al-Sharī’a*. Qum: Āl al-Bayt(AS), 1995/1416.

Ibn Abī Jumhūr. Muḥammad ibn Zayn al-Dīn. *‘Awālī al-Lā’ālī al-‘Azīziyah fī al-Aḥādīth al-Dīniyah*. researched by Mujtābā ‘Irāqī va Shahāb al-Dīn Mar‘ashī s.l. Sayyid al-Shuhadā(AS), s.d.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. *al-Khiṣāl*. researched by ‘Alī Akbar Ghafārī. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1995/1416.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. researched by ‘Alī Akbar Ghafārī. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1984/1363.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu’jam Maqāyīs al-Lughah*. researched by ‘Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qum: : Maktab al-‘Ilām al-Islāmī. 1984/1404.

Ibn Idrīs, Muḥammad ibn Aḥmad. *al-Sarā’ir al-Ḥawī li-Tahrīr al-Fatāwī*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1990/1410.

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār al-Fikr, s.d.

Ibn Ṣalāh, ‘Uthmān ibn ‘Abd al-Raḥmān. *Muqaddamah Ibn al-Ṣalāh fī ‘Ulūm al-Ḥadīth*. Lebanon: Dār al-

- Kutub al-‘Ilmiyya, Muḥammad ‘Alī Bayḍūn, 1995/1416.
- Iḥsānifār Langarūdī, Muḥammad. *Asbāb Ikhtilāf al-Ḥadīth*. Beirut: Mū’assisah-yi ‘Ilmī Farhangī Dār al-Ḥadīth, 2011/1432.
- Irbilī, ‘Alī ibn ‘Isā. *Kashf al-Ghumma fi Ma’rifā al-A’imma*. Tarjūmah va Sharḥ Abū al-Ḥasan Shi‘rānī et al. Tehran: Islāmīyya, s.d.
- Istarābādī, ‘Alī. *Ta’wīl al-Āyāt al-Zāhira fi Faḍā’il al-‘Atra al-Ṭāhira*. researched by Ḥusayn Ustād Valī. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1989/1409.
- Khū’ī, Abū al-Qāsim. *Mu’jam Rijāl al-Ḥadīth wa Tafṣīl Ṭabaqāt al-Ruwāt*. s.l. s.n. 1994/1372.
- Kulīnī, Muḥammad ibn Ya’qūb. *al-Kāfī*. Ed. ‘Alī Akbar Ghafārī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1985/1363.
- Kulīnī, Muḥammad ibn Ya’qūb. *al-Kāfī*. Jam‘ī az Pazhūhishgarān. Qum: Mū’assisa Dār al-Ḥadīth. 2009/1387.
- Mahmūdī ‘Abbās, ‘Alī Akbar Khudāmīyān Ārā’ī. “Kitābshināsī Taḥlīlī “Uṣūl al-Takhrīj wa Dirāsa al-Asānīd”. *Āynih Pazhūhish*, no. 17 (Shahrivar 2018/1396): 91-104.
- Mahmūdī ‘Abbās, Shīr Muḥammad ‘Alīpūr ‘Abdulī. “Vāzihpazhūhī va Shinākht Taḥlīlī Dānish Takhrīj dar Ahl Sunat”. *Ḥadīth va Andishih*. No. 17 (2015/1393): 155-178.
- Mahmūdī, ‘Abbās. “Fayidih-yi Bahrihgiri az Dānish Takhrīj dar I’tibāryābī Ahādīth”. *Ḥadīth Ḥawzah*. no. 15 (2017/1396): 119-143.
- Majlisi, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi‘a li-Durar Akhbār A’imma al-Athār*. ed. Muḥammad Mahdī Kharsān et al. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Tūrāth al-‘Arabī, 1990/1368.
- Māmaqānī, ‘Abd Allah. *Miqbās al-Hidāya fi ‘Ilm al-Dirāya*. Qum: Dalīl mā, 2007/1428.
- Mas‘ūdī, ‘Alī ibn Ḥusayn. *Ithbāt al-Waṣīya li-al-Imām ‘Alī ibn abī Ṭālib*. Qum: Anṣāriyān, 1996/1417.
- Māzandarānī Ḥā’irī, Muḥammad ibn Ismā‘īl. *Muntahā al-Maqāl fi Ahwāl al-Rijāl*. Qum: Āl al-Bayt(AS) li-Iḥyā’ al-Tūrāth, 1995/1416.
- Mirdāmād, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad. *al-Rawāshih al-Samāwiya fi Sharḥ al-Aḥādīth al-Imāmiya*. Qum: Dār al-Ḥadīth, 2002/1380.
- Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Irshād fi Ma’rifā Ḥujaj Allāh ‘alā al-‘Ibād*. Qum: Āl al-Biyt (AS) li-Iḥyā’ al-Tūrāth, al-Mu’tamar al-‘Ālamī li-Alfiya al-Shaykh al-Mufid, 1993/1413.
- Najāsh, Aḥmad ibn ‘Alī. *Rijāl al-Najāsh*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1986/1365.

Nu'mānī, Muḥammad ibn Ibrāhīm. *al-Ghayba*. ed. 'Alī Akbar Ghafārī. Tehran: Maktaba al-Ṣadūq, 2019/1397.

Pākatchī, Aḥmad. *Naqd-i Matn*. Tehran: Imam Sadiq(AS) University. 2019/1397.

Pūrmūsā Muḥtabā, Muḥammad Kāzīm Raḥmān Sitāyish. "Payāmad-hā-yi Padīdih-yi Afzūdhniḡārī (Idrāj) dar Rivāyāt va Kutub-i Ḥadīthī". *Nashriyeh-yi Ḥadīth Ḥawzah*. yr. 14, no. 1 (spring and summer 2023/1402): 65-84.

Pūrmūsā Muḥtabā, Muḥammad Kāzīm Raḥmān Sitāyish. "Gūnih-hā va 'Awāmil Afzūdhniḡārī bar Mutūn Ḥadīthī bā Ta'kīd bar Mīrās Ḥadīthī Mutaqaddim Shi'ah". *Ḥadīth Ḥawzah*. yr. 12, no. 1 (spring and summer 2022/1400): 9-28.

Pūrmūsā Muḥtabā. *Afzūdhniḡārī dar Manābi' Ḥadīthī Mutaqaddim Shi'ah bā Ta'kīd bar Kitāb-i Kāmil al-Ziyārāt*. bi Rāhnamāyī Muḥammad Kāzīm Raḥmān Sitāyish. Pāyānnāmāh-yi Saṭḥ-i si. Qum: Ḥawzah-yi 'Ilmiyah, 2023/1401.

Qumī Mashhadī, Muḥammad ibn Muḥammad Rizā. *Kanz al-Daqā'iq wa Baḥr al-Gharā'ib*. researched by Ḥusayn Dargāhī. Tehran: Vizārat al-Thaqāfa wa al-Irshād al-Islāmī. 1989/1367.

Qutb Rāwandī, Sa'īd ibn Haba Allāh. *al-Kharā'ij wa al-Jarā'ih*. S.I. Mū'assisa al-Imām al-Mahdī(AS), s.d.

Rafī'ī Muḥammadī, Naṣir. *Vaz' Ḥadīth*. Qum: Jāmi'a al-Muṣṭafā (pbuh) al-'Ālamīya, 2021/1399.

Ramaḡān Mabruk. "al-Idrāj fi al-Ḥadīth wa Atharahu 'ālā al-Matn wa al-Isnād". *Ḥawliya Kulliya al-Dirāsāt al-Islāmīya wa 'Arabīya*. Vol. 22, no. 1 (Farvardīn 2004/1425): 135-228.

Riyān, Ma'sūmīh. "Ta'ṣīr "Taṣḥīf" va "Idrāj" dar Ma'nā-yi Matn Rivāyāt (Muṭālī'ih-yi Mūrīdī Si Rivāyat Zanān)". *'Ulūm Ḥadīth*. vol. 98, no. 25 (Diy 2021/1399): 112-140.

Ṣādiq Fadakī, Ja'far. *Barrisi Uṣūl va Mi'yār-hā-yi Naqd Ḥadīth az Jahat Matn*. bi Rāhnamāyī Muḥammad Taqī Dayārī. Pāyānnāmāh-yi Kārshināsī Arshad. University of Qom: 2000/1379.

Ṣadr, Sayyid Ḥasan. *Nihāya al-Dirāya fi Sharḥ al-Risāla al-Musūmah bi-al-Wajīza li-l- Bahāyī*. Tehran: Mash'ar, s.d.

Ṣafār, Muḥammad ibn Ḥasan. *Baṣā'ir al-Darajāt*. Ed. Muḥsin ibn 'Abbās 'Alī Kūchih Bāghī. S.I. Maktaba Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī, s.d.

Shaykh Bahāyī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *al-Wajīza fi al-Drāya*. Qum: Baṣīratī. 1978/1398.

Shaykh Bahāyī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *Mashriq al-Shamsayn wa Iksīr al-Sa'adatayn*. bi Ta'liq Ismā'il ibn Muḥammad Ḥusayn Khwājūfī va Mahdī Rajāfī. Mashhad: Astānah al-Raḡaviya al-Muqaddasah, Majma'

Buḥūth al-Islāmīyya, 1967/1387.

Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan. *I'lām al-warā bi a'lām al-Hudā*. Qum: Āl al-Bayt(AS). 1998/1376.

Ṭahān, Maḥmūd. *Uṣūl al-Takhrīj wa Dirāsa al-Asānīd*. Beirut: Dār al-Qurān-i Karīm, 1979/1399.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Ghayba*. Ed. Muḥammad 'Alī Aḥmad Nāsiḥ va 'Abād Allāh Tihrānī. Qum: Mū'assisa al-Ma'ārif al-Islāmīyya, 2004/1425.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Istibṣār fi mā Ikhtalafā min al-Aḥbār*. Ed. Ḥasan Kharsān. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1985/1363.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhīb al-Aḥkām*. researched by Ḥasan Kharsān. Ed. Muḥammad va 'Alī Ākhūndī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, s.d.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhīb al-Aḥkām*. researched by Ḥasan Kharsān et al. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1987/1365.

Tustarī, Muḥammad Taqī. *al-Aḥbār al-Dakḥīlah*. s.l. Maktaba al-Ṣadūq, s.d.

